

وحدت وجود در قرآن کریم

کتاب اول:

اعتقادات در باب الله تعالی و رسول الله ﷺ

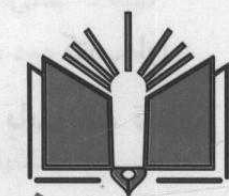
تألیف

دکتر اقبال فنیہ ساجمانی



انتشارات شیخی

فقیه سلیمانی، اقبال، ۱۳۴۷ -	:	سرشناسه
وحدت وجود در قرآن کریم / تالیف اقبال	:	عنوان و نام پدیدآور
	:	فقه سلیمانی.
سنندج: انتشارات شیخی، ۱۳۹۶.	:	مشخصات نشر
۵۵۶ ص.	:	مشخصات فیزیکی
۹۷۸-۶۰۰-۶۳۵۸-۴۸-۲	:	شابک
فیفا	:	وضعیت فهرست ریزی
وحدت وجود در قرآن	:	موضوع
Pantheism in the Quran	:	موضوع
BP۱۰۴ / ۱۳۹۶ ف ۳ و	:	رده بندی کنگره
۹۷۷/۱۵۹	:	رده بندی دیویی
۴۶۵۶۰۵۱	:	شماره کتابشناسی ملی



انتشارات شیخی

سنه، پاساژی سزندان: ۰۸۷ - ۳۳۱ ۵۴ ۱۵۲
+۹۸ ۹۱۸ ۷۸۲ ۰۴۸۸

وحدت وجود در قرآن کریم

وحدت وجود در قرآن کریم	★ نام کتاب:
دکتر اقبال فقیه سلیمانی	★ مؤلف:
اول؛ ۱۳۹۷	★ نوبت چاپ:
جلد ۱	★ تیراژ:
۵۵۶ صفحه و ۵۵۶ خط	★ تعداد صفحه و قطع:
صهیب شیخی	★ صفحه آرای و گرافیک:
انتشارات شیخی	★ ناشر:

شماره: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۵۸-۴۸-۲ (قیمت):
ISBN978-600-6358-48-2 ۵۰,۵۰۰ تومان

کلیه حق چاپ برای مولف محفوظ می‌باشد و هرگونه چاپ و تکثیر و ... پیگرد قانونی دارد

فهرست

مقدمه.....	۷
وجه الله تعالى.....	۱۷
اول: شاءن الوهیت.....	۱۷
دوم: وجه هویت.....	۳۹
نظرات و اراء متکلمین در باب اسماء حسنی.....	۴۴
نظرات متکلمین و امام ابوالحسن اشعری در باب اسماء الحسنی.....	۵۱
وحدت وجود و یا رحمت وجود.....	۷۲
الله تعالی ذات ندارد و ذات مخصوص اشیاء است.....	۹۸
الامثال و ضرب الامثال و اسماء و عوالم خلقت.....	۱۰۲
ذات و صفات در نفس اسماء الحسنی.....	۱۶۱
هو جل جلاله و رب العالمین؛ عون و المستعان اسماء الحسنی است.....	۱۶۴
وجه ربوبیت الله تعالی.....	۱۷۷
رسول الله ﷺ همان امر حق و حق است.....	۱۷۹
الحق و رسول الله ﷺ و مرسلین (علیهم السلام) و محسنین.....	۲۰۱
الحق و نفوس حق محسنین.....	۲۳۲
روح رسول الله ﷺ و حقیقت وجودی او.....	۲۵۳

۲۵۴.....	خلقت‌های چهارگانه: روح و نفخ و ریح و قصف.....
۲۶۷.....	روح‌های محسنین مقدس و آمین و مامن امن هستند.....
۲۸۱.....	بحث مدد و اید از رسول الله ﷺ و اولیاء الله.....
۲۹۲.....	خلقت و گونیت ریح و قاصف.....
۳۰۲.....	حقیقت روح اعظم سیدنا محمد رسول الله ﷺ.....
۳۱۴.....	بحث لقای الله تعالی.....
۳۲۵.....	اسلام رسول الله ﷺ و ولایت رسالتش.....
۳۲۷.....	الف: اسلام و ولایت مستقیم و بی واسطه الله تعالی بر رسول الله ﷺ.....
۳۲۸.....	هو: انما جل جلاله.....
۳۵۰.....	ادامه بحث ولایت رسالت رسول الله ﷺ.....
۳۷۱.....	اشد عشق به الله تعالی بر رسول الله ﷺ.....
۴۳۷.....	الباعث و بعثت رسول الله ﷺ.....
۴۴۵.....	اسم الباعث و صفت و روح بارک باعث رسول الله ﷺ.....
۴۶۷.....	سیدنا رسول الله ﷺ و قل در قرآن کریم.....
۴۶۷.....	بحث "قل" و رسول الله ﷺ در قرآن کریم.....
۴۹۵.....	آیا قرآن کریم قدیم است و یا مخلوق است؟.....
۴۹۵.....	آیات در باب قدیم بودن قرآن کریم.....
۵۰۷.....	توسل به رسول الله ﷺ و اولیاء الله.....
۵۲۹.....	شفاعت رسول الله ﷺ و اولیاء الله.....
۵۳۹.....	فهرست آیات قرآن کریم در کتاب.....

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

احمده و هو الحماد جدير و استنصره و هو نعم المولى و نعم النصير و اشهد ان لا اله الا الله هر المنان عن الشركاء و الاضداد المتعالى عن الازواج و الاولاد و اشهد ان سيدنا محمدا عبده و رسوله ارسل به اشهد الطاريق و المذاهب و اختاره صفوة النجباء و النجائب و بعثه من اطهر المقابيت و اله ناصب. اللهم اجعل افضل صلواتك ابدا و انمى بركاتك سرمد و ازكى تحياتك فضا و عزه على طور تجليات الاحسانيه؛ الخليل الاكرم و حبيب الاعظم سيدنا و مولانا محمد ﷺ و على آله و اهل بيته و صحبه اجمعين عدد معلوماتك و مداد كلماتك كلما ذكرك و ذكره الذاكرون و غفل عن ذكرك و ذكره الغافلون و سلم كثيرا الى يوم الدين.

رب جليل؛ اراده اش بر آن تعلق گرفت كه انسان و آدمى را بر فطرتى از دين بيافريند و به او حكومت دينى انسانى را عنايت كند و در کنار اديان مختلفى كه براى آدم قرار داد؛ دين اسلام را نيز با ارسال مرسلين به او عنايت كرد تا از ميان اديان خود بافته و شيطانى در کنار دين الهى به آزادى نسبى و اتخاذى ازلى؛ خوديى را بر گزيند و البته او را بر آنان مسئول قرار داد.

دين نتيجه تفكر و تعقل است كه در نفس آدمى به عنوان اعتقادات و باورها؛ به ثباتى نسبى رسيده باشد. از اين روى به تنوع تفكرات منطقى و يا تخيلى و وهمى؛ انسانها مى توانند اديان متعدد داشته باشند؛ كه تاريخ تمدن بشرى در اقصاء نقاط جهان در طول قرون گذشته گواهى آشكار بر آن است. از اين روى سرمايه دارى و يا كمونيست خود يك

دین است و تمام ارکان یک دین؛ در آنها وجود دارد و دموکراسی غربی چیزی جزء خلافت سرمایه داری یا همان حکومت سرمایه داری نیست که با ارای مردمان کاملاً مشروعیت خود را از آنان اخذ می‌کند. رهبران دارای امر و دستور در حکومت سرمایه داری و هر حکومت انسانی دیگری؛ اولیاء آنان اند و فلاسفه آنان؛ نقشی چون نبیون را در ادیان الهی بازی می‌کنند. از این روی حکومت لائیک؛ در شرق و غرب معاصر در واقع وجود ندارد.

حکومت‌های پادشاهی قرون گذشته؛ اگر عمدتاً بر وجه مالکیت پادشاه و حکومت متمرکز می‌نمودند و با ادیان متعدد برخورد‌های ایدئولوژیکی نمی‌نمودند؛ می‌توانستند بطور نسبی به عنوان حکومت‌های لائیک قلمداد شوند. اما حکومت‌های معاصر حتی نوع کمونیستی جماهیر شوروری سابق که دین را افیون توده‌ها تبلیغ می‌نمود؛ خود یک دین تمام عیار محسوب می‌گردد که با هر ایدئولوژی مخالفی با شدت و حدت تمام برخورد می‌نمود که بنابه بیان ما؛ تعداد محکومان به مرگ و یا کار اجباری در شرایطی بسیار مخوف؛ بالغ بر یک صد میلیون نفر بوده است.

حکومت کمونیستی شوروی سابق؛ برخلاف تمام تبلیغاتی که برای جلب کارگران می‌نمودند؛ در حقیقت حادث‌ترین و افراطی‌ترین نوع حکومت سرمایه داری است که در آن هر نوع مالکیتی را از توده‌ها سلب می‌نمود و تمام مالکیت حاصل از دست رنج توده‌ها و منابع کشور را به رهبران کشور منتقل می‌کرد. است و آنان را به آبر سرمایه داران جهانی بدل می‌نموده است. در واقع همین به دینی و سرمایه داری حاد و افراطی؛ آنان را وادار به اتخاذ شدیدترین برخورد‌ها با هر نوع عقیده مخالف و بطبع؛ دلیل وسعت عظیم قتل و جنایت در آن بوده است و باز دلیل عدم دوام آن و فروپاشی درونی آن نیز بوده است. پس ملائکه به ناحق با خلافت انسانی در این مخالفت ننمودند و بی دلیل آن را دلیل قتل و فساد بیان ننمودند؛ بلکه بر حقیقت نفس انسانی و خطرات خلافت ادیان خود بافته انسانی بخوبی آگاه بودند.

ادیان انسانی که نتیجه افکار و اوهام و یا تفکرات فلسفی و یا بظاهر منطقی انسان‌ها بوده است با وجود تعدد و گوناگونی بسیار آنها که لا اقل در طول چند هزار سال تاریخ مکتوب گذشته ظهور نموده است؛ حداقل در دو امر مشترک هستند اول وجه سرمایه داری آنها و دوم وجه ماتریالیستی آنها.

وجه سرمایه داری تمام ادیان صناعی انسانی ریشه در نفس آدمی و میل و شهوت و آز غیر قابل مهار نفس انسانی برای مالکیت هرچه بیشتر و بی حد و مرز دارد و وجه ماتریالیستی آنها؛ اولاً؛ ریشه در سیطره مطلق ماده بر کل زمین و هر آنچه در آن و در واقع در کل کهکشان‌ها از هر وجه و جهت موجود است دارد و ثانیاً قدرت بسیار محدود حواس مادی انسان‌ها چون شنوایی و بینایی و لامسه و بویایی؛ که فقط با ماده قریب خود؛ بطور بسیار محدود ارتباط برقرار می‌کند؛ و ثالثاً وابستگی مطلق ظاهری انسان‌ها که از هر وجهی به ماده و اشیاء برمی گردد است. از این روی اصلاً عجیب نیست که چرا تمام الهی‌باستانی از جمله در یونان باستان و یا هندوستان وجه مادی و شبه انسانی؛ البته با قیوت‌های مختصر بیشتری؛ دارند.

اگرچه، دیان انسانی و دین اسلام وسیع تر از عقیده است و شامل عبادات و مناسک و احکام فقهی و حقوقی می‌گردد اما چون اساس دین بر عقیده است و حتی مناسک و عبادات و احکام فقهی نیز بر بانی عقیده استوار است از این روی من در این کتاب عموماً ادیان انسانی و نیز اسلام را معادل؛ عقیده بیان کرده‌ام.

در بیشتر ادیان انسانی معاصر برخلاف ادیان انسانی گذشته؛ وجه عبادات و مناسک در آنها ضعیف است. مثلاً سرمایه داری و یا کم نیست وجهی عبادتی به مثال نماز و یا بناهایی چون مساجد و تکایا و یا بت‌خانه‌ها؛ ظاهر جهت عامه مردم ندارند؛ اما وجه احکام حقوقی در آنها نیز چون اسلام بارز است و بر اساس رشد و استحکام سیستم عقیدتی و فکری سرمایه داری و یا کمونیست و امثالهم بواسطه؛ المانها؛ احکام حقوقی خود را متناسب با عقاید خود وضع نموده‌اند. از این روی قابل تمام ادیان؛ چه الهی و چه انسانی کاملاً مشابه هستند و اختلاف آنها در ماهیت و محتوی این قابل محاسبت.

اسلام نیز به عنوان دین؛ جمع جامع تمام ادیان الهی و حامل تمام پیغام‌های کل مرسلین (علیه السلام) و نبیون (علیه السلام)؛ بطبع دینی بسیار وزین و عظیم است که با وجود قرآن کریم و احادیث نبوی (علیه السلام) غنای آن پایان ناپذیر است. به همین دلیل بعد از صحابه (رضی الله عنه)؛ جامعه متفکر مسلمین ناچار شدند که با این کلام‌های الهی روبرو شده و احکام خود را از آنها اتخاذ کنند و بدین روی؛ امامت اسلامی در بعد احکام فقهی و عبادات و نسک و عقیده و مولفه‌های آنها؛ ظهوری آشکار یافت.

با توسعه جامعه اسلامی و توسعه ارتباطات با دیگر جوامع و بطبع آشنایی با کتب ادیان مختلف و خاصاً ادیان فلسفی یونان باستان به ناچار بحث‌های عقیدتی نیز به میان آمد. سلطان اولیاء؛ حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ از قبل بر این مسئله آگاهی داشت و شهر بصره که محل تلاقی افکار و عقاید دیگر ملل با امت اسلام بود را محل دفاع و بیان عقاید اسلامی قرار داد. اما واصل بن عطا اولین جرعه طغیان و خود محوری را روشن نمود و با پناه بردن به کتب فلسفی یونان و اتکاء کامل به فهم خود؛ گمان می‌نمود که می‌تواند هادی خود و دیگران باشد. اما نه تنها موجب غرق نمودن خود و عده کثیری شد؛ بلکه منفذی برای مجادله و دله‌رانی یاهو گو باز نمود که بر حسب مقام والای عقیده تا حد حکومت نیز آتش بحث شعله ور شد و هلاکت‌های بسیاری را نیز به بار آورد که با وجود اولیاء الله و تفکرات امام اشعر؛ در نهایت این آتش مهار و خاموش گشت.

در قرون اولیه اسلام بحث عقیده وارد عالم کلام گشت و سه عقیده عمده بعد از سالیان متمادی به حیات خود ادامه دادند که اشاعره و معتزله و وحدت وجود نامیده شدند. در میان این سه عقیده؛ دو عقیده مغربه و اشاعره در میان عوام و علماء؛ پیروان خاص خود را یافت و در میان طبقات خاصی از مومنین و علماء جای خویش را باز نمود و بحث‌های فراوانی را در جامعه اسلامی ایجاد نمود و حتی به مقابله شدید پیروان آنها منجر گشت. بطوری که موجب انشقاق دینی خطی در میان مسلمین شد؛ اگر چه این انشقاق با غلبه اکثریت اشاعره بر اقلیت معتزله برای قرن‌ها، تمادی خاموش گشت؛ اما این خاموشی با فتنه فتنه گران غرب در عصر معاصر دوباره زنده شده است و این امر مهمی که اجتناب از آن محال بود؛ اگر چه در همان اوایل اسلام متذکر و باطلش آشکار و معلوم و تکلیفش مشخص گشته بود؛ دوباره با شدت و حدت بمراتب بیشتری بمیان مسلمین برگشته است و سببی برای اختلاف عقیده و جنگ‌های داخلی مسلمین شده است. اگر چه مسبب کل این وقایع؛ دست‌های آشکار و پنهان کفار و مشرکین غرب و خاصاً یهود است که چشم طمع و آز آنان بشدت دنبال منابع عظیم کشورهای اسلامی از یک سو و آتش کینه و بغض چهارده قرن گذشته از سوی دیگر به اضافه جنگ عقاید فلسفی آنان با عقاید الهی مسلمین است؛ البته انحرافات دینی و عقیدتی و اخلاقی و حب مادی مسلمان زادگان امروز را نیز نه تنها نمی‌توان آنکار کرد؛ بلکه از فاکتورهای مهم نیز می‌باشد.

در همان آغاز اسلام عرفاء نامی و اولیاء الله والا مقام اسلام بی آنکه وارد این بحث‌ها و جنگ‌های خونین گردند بطور آشکار و یا با کنایه خود را (وحدت وجودی) نامیدند و از این دو گروه خود را جدا نمودند اگر چه مذهب اعتقادی اشعری را نیز از علماء و عوام مردم و مریدان خود نیز می‌پذیرفتند و حتی آن را ترویج و اشاعه نیز می‌دادند. اما بی آنکه وارد بحث و جدلی شوند؛ روی خوشی به مذهب اعتقادی معتزله نشان نمی‌دادند و شیخ حسن بصری رحمته الله آن را اعتزال از مذهب حق بیان فرموده و این نام بر آنها گذارده شد.

عرفاء بزرگ اگر چه خود وحدت وجودی بودند اما این اعتقادات را مکتوب ننموده‌اند و حقایق آن را، بروشنی بیان ننموده‌اند و عرفایی چون حضرت ابن عربی رحمته الله نیز که آن را بیان نموده‌اند با زبانی خاص و بصورت اشاره برای خواص بیان نموده‌اند. این امر باعث شده است که، سیقن و پژوهش گرانی که در این باره به تحقیق پرداخته‌اند دچار اختلاف آراء و شبهات گردند و این وقایع خود مجدداً باعث شده است که حتی بعضی از علماء به دلیل چهل به حقیقت، آن؛ بر علیه آن فتواء صادر نمایند و آن را رد نمایند.

دلیل آنکه عرفاء در عین آنکه خود وحدت وجودی بوده اما آن را بیان نفرموده و در عین حال حتی به ترویج مذهب اسماعیلی رحمته الله روی آورده‌اند را در متن کتاب خواهید یافت و علتش آشکار خواهد شد. اما این که وحدت وجود چیست و بر چه اعتقادات و حقایقی استوار است؛ موضوع اصلی این کتاب است که در پیش روی دارید.

و جوب ایمان به الله تعالی و به رسول الله صلی الله علیه و آله کس مسلمین الصلوة علیهم و آلهم و سلم در قرآن کریم بارها مورد تاکید کامل قرار گرفته است. ایمان به الله تعالی در ایمان به اسماء الحسنی ظهور می‌کند. شاید بتوان گفت که تعدادی از اسماء بیشتر وجه عقیده یقین دارند. مانند ایمان به الحی و القيوم؛ که بمعنای آن است که الله تعالی واجد حیات و پیشمه آن و قیوم کل هستی است. اما با کمی تأمل در دیگر اسماء متوجه می‌گردیم که این ایمان آمیختگی عظیمی با حیات و زندگی ما دارد. یعنی ایمانی که این اسماء بطرز بسیار آشکاری از ما طلب می‌کنند مانند شیر و شکر با کل تفکرات و عقیده و افعال و حیات ما آمیختگی کاملی دارند. مثلاً المحی و الممیت و الرزاق و القدیر و الهادی و امثالهم صرفاً بر نام‌هایی برای الله تعالی دلالت ندارند بلکه بر اسمایی دلالت دارند که تعیین کننده حیات و ممات و رزق و هدایت و تقدیرات ما هستند و با زندگی ما عجین هستند. از این روی

ایمان به این اسماء و احکام آنها که در قرآن کریم آمده است؛ حیات دینی خاصی را از ما طلب می‌کند که کاملاً بر احکام الهی این اسماء استوار است و بطبع دین اسلام را بطور منحصر به فردی از تمام ادیان انسانی متمایز و جدا می‌کند.

ایمان به اولوهیت الله تعالی و ربوبیت و خالقیت او که در نام الولی برای آدمی ظهور یافته است و او را از تمام رحمت و نعمات و افضال مادی و ملکوتی در بالاترین سطح ممکن برخوردار نموده است و او را از مخلوقی بسیار پست و ضعیف و کافر کیش و ظالم به مخلوقی شریف و قوی و حامل خیرهای الهی و برکاتش با مقامی رفیع رشد می‌دهد و این امر در نهایت آدمی را بسوی (عشق شدید مقدس) به رب و معبود خویش سوق می‌دهد و عشق حقیقی را در وجود او نهادینه می‌کند. این عشق بسیار مقدس جمع جامع تمام اعتقادات و روابط بین عباد و مقام الوهیت و ربوبیت را در خود دارد و خود جمع جامع و بـ اولیاء و وجه عباد می‌گردد و دلیل هر خیر و نتیجه هر اعتقاد راست و شکر و حمدی را برای الله تعالی ظاهر می‌کند. این حقیقت مقدس را در بخش مربوطه بیان کرده‌ام.

ایمان به اسماء الحسنی اگر چه امر به الله تعالی و حقیقت نفسش عالم نمی‌کند و اصولاً الله تعالی تحت علم بشری قرار نمی‌گیرد، اما شناخت و معرفتی نسبی بالایی را از الله تعالی برای عباد تولید می‌کند. از این روی اساس اسلام نه بر علم بلکه بر معرفت و عرفان استوار است و این امر در قرآن کریم و احادیث قدس نیز بر آن تأکید کامل شده است. در قرآن کریم بر ایمان به رسول الله ﷺ در قرب ایمان به الله تعالی تأکید بسیار شده است. ایمان به الله تعالی در ایمان به اسماء تجلی می‌کند و از این روی ایمان به رسول الله ﷺ را نیز باید در اسماء الحسنی جستجو و طلب کرد و رابطه حقیقت حمدی ﷺ و اسماء الحسنی بروشنی بیان و معلوم گردد. متأسفانه بعد از چهارده قرن در این باب اگر چه در عرفان عملی کارهای عظیمی صورت گرفته است و مریدان فراوانی را تا مقام عرفاء و اولیاء الله به واسطه مقام احسان رسول الله ﷺ رشد داده است؛ اما در عالم کتاب و مکتوبات نظری اصلاً کاری درخور انجام نشده است. دلیل عمده آن دو مطلب است اول آنکه مذهب اشعری اصولاً چنین توان و ظرفیتی را در نفس خود ندارد. دوماً؛ اولیاء الله در رابطه عرفان عملی و مریدی و مرادی به صورت عملی و شهود آنرا برای مریدان رشد

یافته بکمال انجام می‌دادند و روش آنها بر عین یقین و شهود غیب استوار بوده است. شناخت درست اسماء الحسنی و شناخت ظهور اسماء در مراتب ظهور و خلقت و کل احکام آنها با مراتب این احکام در عالم مادی؛ نه تنها به معرفت الله تعالی ختم می‌گردد بلکه به معرفت حکمت الهی و کل حقایق آفرینش و حکمت‌های آفرینش و بطبع آن؛ نفس خود آدمی و جایگاه حقیقی او در خلقت؛ بدور از هر اغراق و افراط و تفریطی و خود شیفتگی منجر می‌گردد و این خود بزرگ‌ترین نیاز آدمی جهت شناخت خود و جهان مادی و عالم امر و هدف از خلقت او و بیان کننده راه رشد و هدایت و معلوم کننده هر نوع گمراهی و ضلالت است.

ایں حقیر جهت آنکه وحدت وجود از امری عرفانی و مخصوص خواص عارفان خارج گردد و این را ی که تنها سر به مهر باقی مانده است؛ برای تمام مردمان آشکار گردد؛ بجای آنکه کلام و کتب بزرگان را مرجع قرار دهم؛ خود قرآن کریم و کلام الله تعالی را مرجع قرار داده و اسرار و معانی کلی وحدت وجود را از خود آیات مبارک؛ که بی‌گمان دارای حد اعلای فصاحت و دقت و روشنی و بی‌شائبی و نظم است؛ استخراج نموده‌ام. که خود این امر محاسن و خیرهای زیادی را به دنیا داد.

یکی از خیرهای کثیر این امر آن است که علماء و حتی مجتهدین که با علوم قرآنی بطور مستقیم چندان انسی ندارند و عموماً ببحث فقه؛ مقلد علمای بزرگ صدر اسلام هستند و عمر خود را به مطالعه کتب امامان علیهم‌السلام و علماء بزرگ سپری می‌کنند؛ می‌توانند مستقیماً با قرآن کریم انس پیدا کنند و این امر برای طلاب و محققین و پژوهشگران نیز صادق است؛ اگر چه هیچ کس نباید علم و حکمت را وسیله بسیاری خود از هدایت الهی قلمداد کند.

بهر حال اگر چه در این باب بحث و کلام زیاد است اما به همین مختصر بسنده می‌کنم و از طول کلام پرهیز نمودن بهتر است.

در خاتمه لازم است که یاد آوری نمایم که اینجانب با تمام وجود اعتقاد و ایمان دارم که قرآن کریم و اقوال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم حامل تمام حقایق و معارف حق و بحق است و در آنها هیچ کم و کاستی و ضعف و خطایی وجود ندارد اما به همین میزان نیز اعتقاد دارم

که فهم و برداشت آدمی از این متون مقدس حق و بحق می‌تواند دارای نقص و یا کاستی و یا خطاهای کوچک و بزرگ باشد و این حقیر نیز با بضاعت ناچیز خود از آیات مبارک؛ احکام و اعتقادات و حقایق را استخراج نموده است که بی‌گمان دارای نقص و کاستی و خطا است. از این روی از تمام علماء و محققین تمنا دارم که اولاً اگر خطا و کاستی و اشکالی دارم آن را حتماً به این حقیر اعلام نموده و در ثانی از همه طلب مغرت و بخشش دارم.

البته بر گمان عده‌ای قلیلی از علماء که حقایق کتاب با مذاق آنان سازگار نیست؛ با کل کتاب به مخالفت برخوانند خواست و سعی خواهند نمود تا آن را با نقدهای پراکنده خود؛ به گمان خود رد نمایند. من چنین نقدهای باطلی را نخواهم پذیرفت و برای چنین نقدهایی ارزشی قائل نخواهم شد؛ اگر آنان براستی می‌خواهند کل کتاب و یا کلیت آن را رد نمایند؛ قبل از هر کاری باید این واجب است که عقاید خود را به مثال این کتاب بکاملی از قرآن کریم و بدور از تمسک به این استخراج نموده و برای تمامی ادله‌ها و استدلال‌ها و نتایج آن استدلال‌ها تا آخرین نتایج خود؛ بمثال این کتاب؛ آیات قرآن کریم را سند قرار داده و آیات را بهم متصل نموده و آیات را به علم هم تفسیر نمایند و در نهایت آنچه می‌گویند با سنت رسول الله ﷺ و اولیاء کبار این دین مطابقت داشته باشد. در این صورت کلام آنان قطعاً گوش شنوا از جانب این حقیر خواهد داشت و در غیر این صورت وقت خود را به کلام‌های متفرق و مغرضانه آن عده قلیل تلفات نخواهم کرد.

نکته دیگر آنکه تعدادی از دوستان فرمودند که کتاب را اصطلاحات عرفانی که عرفاء در کتب خود آورده‌اند مزین نمایم و از کلام و اصطلاحات آنان سود و بهره ببرم اما این حقیر این نظر را نپذیرفتم. زیرا اولاً مایل بودم که کتاب برای عموم افراد قابل فهم باشد از این روی زبانی ساده و عاری از هر تکلفی را اتخاذ کرده‌ام و ثانیاً مایل نبودم خوانندگان برای فهم اصطلاحات عرفاء مجبور به مراجعه به کتب متعدد گردند و در ثالث چندان نیازی هم به این امر نمی‌بینم.

نکته دیگری که لازم است بیان کنم آن است که این کتاب بیشتر از آنکه وجه علم الهی داشته باشد بر وجه حکمت الهی قرار دارد و نگاشته شده است. زیرا آنچه حقایق و احکام حقایق و واقعیت‌ها را بیان می‌کند حکمت محسوب می‌گردد و حکمت گمشده

اهل ایمان است که آنان را در جایگاهی بمراتب رفیع تر از علم قرار می‌دهد و تعالی حکمت بمراتب بسیار رفیع تر از تعالی علم است. اگر چه بین این دو؛ نتوان حائل دقیقی را تعریف نمود.

نکته آخر آنکه اگر الله تعالی؛ انشاء الله توفیق عنایت کند مجله‌های بعدی این کتاب را خدمت بزرگواران ارائه خواهیم داد تا بسیاری از بحث‌های دیگری در این باب نیز ناگفته نماند.

در نهایت از همه برادران و خواهران گرام برای این درویش حقیر طلب دعای خیر دارم و که کاستی‌ها را بر این فقیر ببخشند و مرا از دعای خیر خود محروم نکنند. و من الله توفیق.

شیخ دکتر اقبال فقیه سلیمانی

۲۲ / صفر / ۱۴۳۹

۲۰ / ابان / ۱۳۹۶

ترجمه با مؤلف:

+۹۸۹ ۸۲۲ ۰۰۴۷



Email: ghaiba_solaimany@gmail.com